

## عنوان مقاله:

بررسی مفهوم عدم در فلسفه هایدگر و نیشیدا

## محل انتشار:

دو فصلنامه تأملات فلسفی، دوره 3، شماره 11 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

## نویسندگان:

حسین قسامی - دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تطبیقی دانشگاه تبریز

محمد اصغری - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز

## خلاصه مقاله:

موضوع این مقاله بررسی مفهوم عدم در تفکر هایدگر و نیشیدا است. هایدگر که میراث دار فلسفه غرب است، در کتاب متافیزیک چیست به نحو بنیادین به مسیله عدم می پردازد. به عقیده که به مفهوم عدم نه تنها از مفهوم نفی شدگی ناشی نمی شود، بلکه آغازین تر از آن است. عدم در تفکر هایدگر ربطی وثیق به خصلت های وجودی، یا آنچه هایدگر آن را اگریستانسیال های دازین می نامد، دارد. عدم هایدگری از طریق ترس - آگاهی آشکار می گردد و طی آن در جریان فرو غلتیدن همه موجودات در یک کلیت، دازین خود را تنها مهی هولناک می یابد. بر این اساس پرسش از عدم اندازه پرسش از هستی اهمیت دارد. نیشیدا نیز که میراث دار سنت بودیسم است، مسیله عدم را در کانون توجه قرار میدهد. عدم نیشیدایی تا حد زیادی رنگ و عرفانی بودیستی دارد. به عقیده او عدم بنیاد همه چیز است. عدم نیشیدایی وجهی انضمامی و این جهانی است اما در عین حال ورای موجودات است. عدم از این لحاظ تعیین بخش هستی است. در این نوشتار با تحلیل مواردی چون ترس - آگاهی و در جهان - هستن در فلسفه هایدگر و تجربه محض، سونیاتا و مکان عدم در تفکر نیشیدا به مقایسه مفهوم عدم در این دو فیلسوف پرداخته ایم.

## کلمات کلیدی:

هایدگر، نیشیدا، عدم، ترس-آگاهی، بودیسم، سونیاتا، مکان عدم

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/707158>

